

متفکران بزرگ نشانه‌شناسی

ویراستاران: آخیم اشباخ و یورگن ترابانت

مترجم: مجتبی پُردل

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور	: منتقدان بزرگ نشانه‌شناسی / ویراستاران آخیم اشباخ و یورگن ترابانت ؛ مترجم مجتبی پودل
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات ترانه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۸ ص.
شابک	: 978-622-7830-00-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: History of semiotics , 1983.
موضوع	: نشانه‌شناسی -- تاریخ
موضوع	: Semiotics -- History
شناسه افزوده	: اشباخ، آخیم، ۱۹۴۷ - م.، ویراستار
شناسه افزوده	: Eschbach, Achim
شناسه افزوده	: ترابانت، یورگن، ۱۹۴۲ - م.، ویراستار
شناسه افزوده	: - Trabant, Jürgen, 1942
شناسه افزوده	: پردل، مجتبی، ۱۳۶۴ - مترجم
رده‌بندی کنگره	: P۹۹
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۲/۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۴۴۴۶۲۸

www.ketab.ir



انتشارات ترانه

متفکران بزرگ نشانه‌شناسی

ویراستاران: آخیم اشباخ و یورگن ترابانت

مترجم: مجتبی پُردل

ناشر همکار: دانیال دامون

چاپ اول: ۱۴۰۰، شمارگان ۵۰۰ جلد

۸۵۰۰۰ تومان، صفحه‌آرایی: رحمان اسدی

چاپ و صحافی: نیکو (۰۵۱-۳۸۵۴۴۰۷۵)

شابک ۲-۷۸۳-۶۲۲-۹۷۸-۹۷۸-۶۲۲-۷۸۳-۰۰۰-۲ ISBN: 978 - 622-7830-00-2

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است.

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - تلفاکس ۳۲۲۸۳۱۱۰

فهرست

مقدمه: نشانه‌شناسی چیست؟	۹
۱-۱. در آمد	۹
۱-۲. تاریخچه‌ای کوتاه	۱۳
فصل یکم: خطوط اساسی نشانه‌شناسی پرس	۲۳
۱. مراحل بنیان‌گذاری نشانه‌شناسی	۲۵
۲. مبانی نشانه‌شناسی پرس	۳۰
۳. اهمیت و عام‌بودگی نشانه‌شناسی پرس	۳۶
۴- جنبه‌هایی از نظریه پرس در باب اجماع	۴۱
یادداشت‌ها	۵۲
منابع	۵۶
ضمیمه: فصل سوم از کتاب پرس راهنمایی برای سرگشتگان	۶۱
پدیدارشناسی و مقولات	۶۱
۱-۳ پدیدارشناسی	۶۳
۲-۳ اشتقاق مقولات	۷۰
یادداشت‌ها	۸۱
فصل دوم: چارلز مورس و بنیان‌های رفتاری نشانه‌شناسی	۸۳
۱. رشد و بالش فکری و تخصص‌یابی	۸۳
۲. مراحل یک کنش	۸۷
۳. گونه‌های نشانه	۹۱
۴. ابعاد دلالت	۹۹
۵. ابعاد کاربرد نشانه‌ها	۱۰۸
۶. ابعاد ارزشی	۱۱۵
یادداشت‌ها	۱۲۱
منابع	۱۲۱
فصل سوم: فردینان دو سسور و رشد و بالش نشانه‌شناسی	۱۳۱
۱. درباره زندگی نامه سسور	۱۳۱

۱۳۴	۲. نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی نزد ژو شسور.....
۱۳۴	۲. ۱. رابطه میان نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی عمومی.....
۱۳۹	۲. ۲. مفاهیم پایه‌ای در زبان‌شناسی عمومی شسور.....
۱۴۳	۳. در باب تعمیم نشانه‌شناسانه مفاهیم پایه‌ای شسور.....
۱۴۳	۳. ۱. «پارول»، علامت سیگنال و ابزار.....
۱۴۶	۳. ۲. توازی میان دال و عملگر، مدلول و بهرم.....
۱۵۰	۳. ۳. نظام، ساختار تقابلی و ساخت‌های نشانه‌ای.....
۱۵۴	۳. ۴. تقابل‌های هم‌نشینی و جانشینی.....
۱۵۶	۳. ۵. مفاهیم دل‌به‌خواهی بودن، انگیزش مندی و نماد نزد ژو شسور.....
۱۵۹	۳. ۶. تقسیم‌بندی نشانه در نشانه‌شناسی.....
۱۵۹	۳. ۷. هم‌زمانی، درزمانی و سویه اجتماعی نظام‌های نشانه‌ای.....
۱۶۳	۴. نشانه‌شناسی شسور و مسائل و مشکلات ساخت‌گرایی.....
۱۶۳	۴. ۱. مشکلاتی چند درباره مفاهیم شسوری پایه.....
۱۶۴	۴. ۲. یلمزلف و مفهوم زبان.....
۱۶۷	۴. ۳. بارت.....
۱۶۹	۴. ۴. لوی استروس.....
۱۷۰	۴. ۵. تعریف «ساخت‌گرایی» و انتقاد از آن.....
۱۷۲	۵. دورنمای نشانه‌شناسی.....
۱۷۴	یادداشت‌ها.....
۱۷۷	منابع.....
۱۸۱	ضمیمه: فصل سوم از کتاب ساختارگرایی و نشانه‌شناسی.....
۱۸۱	ساختارهای ادبیات.....
۱۸۱	صورت‌گرایی روسی: حرکت اسب.....
۱۹۷	رولان بارت.....
۲۰۹	۱- رمزگان هرمنوتیک.....
۲۰۹	۲- رمزگان معنایی یا دالکی.....
۲۱۰	۳- رمزگان نمادین.....
۲۱۰	۴- رمزگان کنشی.....
۲۱۱	۵- رمزگان «فرهنگی» (یا رمزگان «ارجاعی»).....

فصل چهارم: لویی یلمزلف: گلوسماتیک چونان نشانه‌شناسی عمومی.....	۲۱۷
۱. لانگ چونان اصل عمومی ساختار نشانه‌ای.....	۲۱۷
۱. ۱.....	۲۱۷
۱. ۴.....	۲۲۱
۱. ۵.....	۲۲۲
۲.....	۲۲۳
۱. ۲.....	۲۲۳
۲. ۲.....	۲۲۴
۱. ۲. ۲.....	۲۲۴
۲. ۲. ۲.....	۲۲۵
۳. ۲. ۲.....	۲۲۶
۴. ۲. ۲.....	۲۲۷
۳. ۲.....	۲۲۸
۱. ۳. ۲.....	۲۲۸
۲. ۳. ۲.....	۲۲۹
۴. ۲.....	۲۲۹
۵. ۲.....	۲۳۰
۶. ۲.....	۲۳۲
۳. دلالت ضمنی و فراتشانه‌شناسی.....	۲۳۳
۱. ۳.....	۲۳۳
۱. ۱. ۳.....	۲۳۴
۲. ۱. ۳.....	۲۳۷
۲. ۳.....	۲۳۸
۱. ۲. ۳.....	۲۳۸
۲. ۲. ۳.....	۲۴۱
یادداشت‌ها.....	۲۴۳
منابع.....	۲۴۶
فصل پنجم: تأثیر رومن یاکوبسون بر رشد و بال‌نشانه‌شناسی.....	۲۴۹
۱. تاریخچه یک روی تابی و طرد.....	۲۴۹
۲.....	۲۵۳

مقدمه: نشانه‌شناسی چیست؟

مارسل دانزی

می‌بایستی به زندگی معنایی بخشید به‌خاطر این واقعیت آشکار که خود فاقد هرگونه معنایی است.

هنری میلر (۱۸۹۱-۱۹۸۰)

۱-۱. درآمد

هر بار که افراد با خواندن ژمانی جنایی هیجان را مورد تجربه قرار می‌دهند، یا هنگام تماشای فیلمی احساساتی گریه می‌کنند، یا از داستانی کُمیک استریپ به‌خنده می‌افتند، در حال واکنش عاطفی به «معنی‌هایی» هستند که از سوی دیگر موجودات انسانی به این فرآورده‌ها برپا شده‌اند. خواندن کتاب، تماشای فیلم و خندیدن به هومر سیمپسون^۱ فعالیت‌هایی با سطح/های استثنایی نیستند - رفتارهایی هستند که افراد از تمامی اقشار به‌طور روزانه در آن‌ها درگیر می‌آیند. همه‌جایی^۲ این رفتارها حکایت از آن دارد که نیاز به معنا^۳ به همان اندازه تدارک بقای زیست‌شناختی اهمیت دارد. شاید حتی مهم‌تر از آن باشد - گزارش‌های خبری دربارهٔ کسانی که برای خاطر «آرامی» (بخوانید «معنایی») به گونه‌ای خودخواسته از زندگی خود دست می‌شویند به‌نحوی پُرهیجان و نمایشی این مطلب را مورد تأیید قرار می‌دهد.

می‌توان این‌طور استدلال کرد که نیاز به «معنایی تولیدشده» نسخه‌ای خُرد از نیاز کلان آدمی برای گره‌گشایی از «معنای زندگی» است. مطالعهٔ این دومی همواره

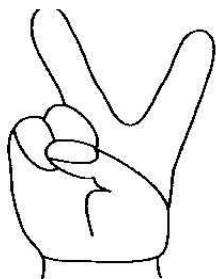
1- Homer Simpson

2- ubiquity

۳ در این ترجمه، معنا و معنی هر دو به‌عنوان معادلی برای meaning به‌کار می‌روند، بدون هیچ‌گونه تفاوت منهومی.

پروژه فلسفه و الهیات به علاوه رشته‌های گوناگون دیگر بوده است؛ مطالعه اولی و وظیفه خاص و مشخص نشانه‌شناسی است، رشته‌ای که می‌توان آن را به سادگی چونان «علم معنای تولیدشده» تعریف کرد. در واقع، هدف غایی نشانه‌شناسی گره‌گشایی از معنایی است که در تمامی انواع فراورده‌های انسانی تعبیه شده‌اند، از واژه‌ها، نمادها، روایت‌ها، سمفونی‌ها، نقاشی‌ها و کتاب‌های کمیک گرفته تا نظریه‌های علمی و قضایای ریاضی. در نگاه نخست، این کار ممکن است زُعب آور به نظر رسد، چه عملاً تمامی فعالیت‌های آفرینش‌گرانه و دانش‌سازی را در بر می‌گیرد که حیات اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهند، اما این گونه نیست. چه نشانه‌شناسی به گونه‌ای محدودتر توجه خود را بر روی کاربرد، ساختار و کارکرد نشانه‌هایی متمرکز می‌سازد (نمادها، واژه‌ها، انگاره‌ها، شکل‌ها و غیره) که در این فعالیت‌ها به کار گرفته می‌شوند. با این همه، در واپسین کندوکاو، بیش‌هایی عرضه می‌دارد که به پرسش کلان در معنای هستی و وجود مربوط می‌شوند.

به عنوان مثالی آغازین از تحلیل نشانه‌شناختی، نشانه‌ای را در نظر بگیرید که با بلند کردن انگشت اشاره و انگشت میانی شکل می‌گیرد و شبیه حرف V در انگلیسی است.



اگر بپرسند این نشانه به چه معناست، بیش‌تر افراد امروزه احتمالاً پاسخ خواهند داد علامت «پیروزی» یا «صلح» است. چرا چنین است؟ از هر چه که بگذریم، دو انگشت دو انگشت است دیگر و نه بیش‌تر. چه ارتباط ممکن می‌تواند با پیروزی یا صلح داشته باشند؟ چنان که پیداست، پیوند این نشانه با پیروزی در پایان جنگ

جهانی دوم در جوامع معاصر گسترش پیدا می‌کند، پس از آن که سیاستمدار انگلیسی وینستون چرچیل (۱۸۷۴-۱۹۶۵) در ملاعام از آن برای برجسته‌ساختن پیروزی نیروهای متفقین استفاده می‌کند. ظاهراً چرچیل چنین نشانه‌ای را شکل می‌دهد تا شبیه اولین حرف واژه انگلیسی 'victory' شود. یک نسل بعدتر، همین نشانه، به مدد محبوبیت سریال تلویزیونی سراسری **پشتازان فضا**^۱، که در آن به عنوان نشانه صلح و ولکان ظاهر می‌شود، به لحاظ معنایی دستخوش دگرگونی فاحشی می‌شود، و بر «دیرزی و شاد باش»^۲ دلالت می‌یابد. نشانه ولکان به جای دومین و سومین انگشت با انگشت سوم و چهارم شکل می‌گرفت (بنگرید به صفحه بعدی). این «معنای صلح» نشانه V به سرعت در پادفرهنگ سرب‌آورنده اواخر دهه ۱۹۶۰ جا می‌افتد. حقیقت آن که هیپی‌ها از سر تعمد این نشانه را به عنوان نمادی برای یادآوری بیهودگی جنگ و ستیز انسانی به جامعه به کار می‌برند.



اما داستان نشانه‌شناختی نشانه V (هراندازه هم که ساختگی باشد) این جا توقف نمی‌کند. می‌تواند به گونه‌ای به مراتب کاربردی‌تر برای اشاره به عدد ۲۰ یا خود حرف V به کار رود. وانگهی، در برخی از فرهنگ‌ها به عنوان نشانه‌ای از

1- Star Trek

2- "live long and prosper"

خوش و بش و احوال‌پرسی به کار می‌رود، حال آن‌که در برخی دیگر نماینده «زنانگی» و «باروری» است. باری، توضیح معانی در پیوسته [تداعی شده] با نشانه V نظیر عدد «۲» یا «پیروزی» کار به نسبت ساده‌ای است. از سوی دیگر، توضیح و روشن داشت معنایی نظیر «زنانگی» این گونه نیست. در این جا، نشانه‌شناس تبدیل به «کار آگاه» می‌شود و، همانند کار آگاهی حقیقی، می‌بایستی کار خود را با ملاحظه شکل خود نشانه به عنوان سرنخی آغازین برای گره‌گشایی از دلایل نهفته در پس این معنا شروع کند. به نظر می‌رسد شکل V سیمای حیث جنسی زنانه در مقام یک مخزن یا ظرف را القا می‌کند، درست همان‌طور که نمادهای ذکرری رساننده حیث جنسی مردانه‌اند - یعنی از طریق مشابهت. البته، در این مورد خاص نشانه‌شناس فقط می‌تواند این امکان را مطرح کند، و به دنبال شواهد تأییدکننده در میان فرادهش‌های نمادین و باز نمودین فرهنگ‌هایی در اقصی نقاط جهان بگردد که نشانه V را در این معنا به کار می‌برند، و نیز در نمودهای جاری و فعلی. ضمن آن‌که، روایتی معاصر از این نشانه را می‌توان در کاربردش برای اشاره به «قدرت دخترانه» مورد مشاهده قرار داد - کاربردی که تا آن‌جا که من می‌دانم، در میانه دهه ۱۹۹۰ از سوی گروهی بریتانیایی در موسیقی راک موسوم به دختران چاشنی در حوزه فرهنگ عامه باب می‌گردد.

جستار بالا موضوع اساسی نشان‌شناسی را خلاصه‌وار بیان می‌دارد. هدف محوری آن جست‌وجو، رمزگشایی، مستندسازی و توضیح چستی، چگونگی و چرایی نشانه‌ها است، عزل‌نظر از میزان سادگی یا پیچیدگی آن‌ها. از بخش میانی سده بیستم بدین سو، نشانه‌شناسی به حوزه پژوهشی گسترده‌ای فرابالیده است. در مورد مطالعه زبان بدن، صورت‌های هنری، انواع و اقسام گفتمان‌ها، ارتباط تصویری، رسانه‌ها، تبلیغات، روایت، زبان، اشیاء، رست‌ها [ایماها]، حالت‌های چهره، تماس چشمی، پوشاک، فضا، خورد و خوراک، آیین و مناسک - به‌طور خلاصه، در مورد هر آنچه موجودات انسانی برای ارتباط و بازنمایی امور به‌شیوه‌ای به‌لحاظ روانی و اجتماعی معنادار تولید می‌کنند و به کار می‌برند - به کار بسته شده است. اما این هم‌آمیزه ظاهراً التقاطی از کاربرست‌ها به هیچ وجه اتفاقی یا از

سر تصادف نیست. بلکه هدفی خاص و مشخص دارد - واقعیت‌بخشیدن به الگوهای تکرارشونده در تولید معنای انسانی.

۱-۲. تاریخچه‌ای کوتاه

تاریخچه کوتاهی که از پی می‌آید هیچ مدعی جامعیت نیست. هدف از آن صرفاً این است تا شماری نقطهٔ ارجاع اصلی برای بحث دربارهٔ مفاهیم و پراکتیک‌های نشانه‌شناسی را در این فصل و فصل‌های بعدی فراهم آورد.

فن واژهٔ semeiotics (که امروزه بدون ن نوشته می‌شود) - مشتق از واژهٔ یونانی sêmeiōtikos، به معنای «هوشیار نسبت به نشانه‌ها» - به دست بقراط (حدود ۴۶۰-۳۷۰ پیش از میلاد)، بنیانگذار پزشکی غرب، برای نام‌گذاری مطالعهٔ نشانه‌های هشداردهنده‌ای وضع شده است که بدن انسان تولید می‌کند، نشانه‌هایی که امروز به طور رایج تر سمپتوم^۱ نامیده می‌شوند. بقراط این طور استدلال می‌کرد که صورت خاصی که یک عارضه (سمپتوم) به خود می‌گیرد - موسوم به semeion («نشان») - سرنخی حیاتی در مورد منبع آن است. ویژگی‌های دیدنی آن، به قولی، اعلام می‌کنند که «چیزی نادیدنی» - گونه‌ای بیماری، اختلال، یا رنجوری - در بدن وجود دارد. بقراط، با این مفهوم ساده، پزشکی را به عنوان گونه‌ای علم «نشانه‌شناختی» تشخیصی پایه‌گذاری می‌کند - یعنی علمی استوار بر یافتن و تفسیر نشانه‌های تنی. مدت کوتاهی پس از آن، روش نشانه‌شناختی را پزشکی موسوم به جالینوس اهل پرگاموم (حدود ۱۳۰-۲۰۰ پیش از میلاد) به طور دائم در طبابت جای گیر می‌سازد. در روزگار باستان، مفهوم semeion به عنوان «چیزی جسمانی» که نمایندهٔ «چیز دیگری» است چندان گسترش می‌یابد تا سمیون‌های انسان‌ساخته‌ای (نظیر واژه‌ها) را نیز در برگیرد که حالت‌های روانی یا عاطفی را نمودار می‌سازند. در میان نخستین کسانی که میان سمیون‌های مادی و انسان‌ساخته یا قراردادی قائل به تمایز می‌شوند فیلسوف یونانی افلاطون (حدود ۴۲۷-۳۴۷) قرار داشته است. کنجکاوی افلاطون را این واقعیت برمی‌انگیزد که واژه‌ای یکه‌و منفرد قابلیت آن را

1- symptom

دارد تا نه تنها به اشیای خاص و مشخص اشاره کنند، بلکه هم‌چنین به اشیایی نیز اشاره می‌کنند که به‌شیوه‌ای قابل‌شناسایی با یک‌دیگر شباهت دارند. برای نمونه، واژهٔ **دایره** فقط به چیزی یگه‌وتک اشاره نمی‌کند (هرچند در صورت لزوم می‌تواند)، بلکه به هر چیزی که ویژگی «گرد بودن» را داشته باشد اشاره می‌کند. دایره‌ای به‌خصوص ممکن است از نظر اندازه تغییر کند، اما هم‌چنان **دایره** نامیده می‌شود چون واجد این ویژگی است. افلاطون این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که اندیشه‌هایی (ایده‌هایی) را که با واژه‌ها رمزگذاری می‌کنیم ممکن نیست بتوانند بخشی از جهان هرروزهٔ ما باشند، جهانی که تغییر می‌کند و ناکامل است. وی این‌طور مطرح می‌سازد که این ایده‌های مزبور واجد ویژگی‌هایی درون‌ذاتی هستند که صورت‌های [مثالی] فطری درون ذهن را منعکس می‌سازند. این ویژگی‌ها هستند که واژه‌ها فراچنگشان می‌آورند.

چنان‌که افلاطون درمی‌یابد، واژه‌ها مطلب چشمگیری را دربارهٔ فهم انسانی آشکار می‌سازند. یعنی گرایش‌مان به تقابل‌فکنی از ذات چیزها، و نه فقط نام‌گذاری و طبقه‌بندی آن‌ها به‌عنوان اشیای مفرد در هر حال، مورد دوم غیرممکن خواهد بود، چه در این صورت به اندازهٔ چیزها و اشیای عالم می‌بایستی واژه وجود داشته باشد.

شاگرد افلاطون ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پیش از میلاد) با این جنبهٔ خاص از فلسفهٔ استادش از در مخالفت برمی‌آید، و این‌طور استدلال می‌کند که واژه‌ها نه به‌عنوان شماری ویژگی بلکه در مقام راهبردهایی عملی برای نام‌گذاری چیزها و اشیای یگه‌وتک آغاز می‌شوند. فقط پس از آن‌که دریافتیم چیزهای معینی ویژگی‌های مشابهی دارند است که طبقه‌بندی آن‌ها به مقوله‌ها را آغاز می‌کنیم. بنا به استدلال ارسطو، در چنین مواقعی از کشف و دریافت واژه‌هایی انتزاعی ایجاد می‌کنیم که اجازه می‌دهند چیزهایی را یک‌جا جمع آوریم که ویژگی‌های مشابهی دارند: گیاهان، جانوران، اشیاء و همین‌طور تا آخر. از نظریهٔ ارسطو، در تقابل با نظریهٔ ذهن‌باور افلاطون، تحت عنوان نظریهٔ «تجربی» یاد می‌شود. هر دوی این نظریه‌ها قابل‌فهم‌اند، و هیچ‌یک را نمی‌توان اثبات یا ابطال کرد. تا به امروز، مجادله میان

ذهن‌باوران و تجربه‌باوران با حدّت و شدّت هم‌چنان ادامه دارد، و این نشانگر آن است که احتمالاً هیچ‌گاه نیز حل نخواهد شد.

سرانجام، پرسشی مطرح می‌شود: آیا میان نشانه‌های طبیعی و قراردادی رابطه‌ای هست؟ در میان کسانی که نخستین بار به بحث دربارهٔ رابطه‌ای احتمالی میان این دو دسته از نشانه‌ها می‌پردازند رواقیان بوده‌اند. رواقی‌گری مکتبی فلسفی در یونان باستان بوده است که پیرامون ۳۰۸ پیش از میلادی سر برمی‌آورد. بنا به استدلال رواقیان، همان‌طور که نشانه‌های طبیعی چیزی درون‌زاد و ذاتی دربارهٔ حالت‌های زیست‌شناختی آشکار می‌سازند، نشانه‌های قراردادی (واژه‌ها و نمادها) نیز چیزی درون‌زاد و ذاتی دربارهٔ حالت‌های روان‌شناختی و عاطفی آشکار می‌سازند. آیا این دیدگاهی قابل دفاع است؟ آیا میان نشانه‌های طبیعی و قراردادی - مثلاً عوارض جسمانی و واژه‌ها - گونه‌ای پیوند در کار است؟ نشانه‌شناسان همواره دربارهٔ این پرسش به بحث و معادله پرداخته‌اند. آگوستین قدیس (۳۵۴-۴۳۰ میلادی)، یکی از پدران و فلاسفهٔ کلیسا در دوران صدر مسیحیت، در میان نخستین کسانی است که در اثر خود موسوم به دربارهٔ آموزهٔ مسیحی^۱ به‌سود تفاوتی بنیادین میان این دو دسته نشانه استدلال می‌کند. وی این‌طور مطرح می‌سازد که نشانه‌های طبیعی (سیگنا ناتورالیا) از نشانه‌های قراردادی متمایزند، چه فرآوردهٔ طبیعت‌اند و هم از این‌رو فاقد نیت‌مندی^۲ هستند. چنین نشانه‌هایی نه تنها شامل عوارض جسمانی می‌شوند، بلکه هم‌چنین خش‌خش برگ‌ها، رنگِ گیاهان، علائمی که جانوران از خود بیرون می‌دهند و غیره را نیز در برمی‌گیرند. از سوی دیگر، نشانه‌های قراردادی (سیگنا داتا) فرآوردهٔ قصد و نیت انسانی‌اند. این‌ها نه تنها واژه‌ها بلکه ژست‌ها و نماد پُرشماری را نیز شامل می‌شوند که انسان‌ها برای نیازهای روان‌شناختی، اجتماعی و ارتباطی خود ابداع کرده‌اند. دست آخر آیین که آگوستین قدیس معجزات را پیام‌هایی از سوی خدا و در نتیجه نشانه‌هایی مقدّس در نظر می‌گرفت. این نشانه‌ها را فقط بر اساس ایمان می‌توان فهمید، هرچند چنین فهمی خود تا اندازه‌ای بر پایهٔ تفسیرهای فرهنگی خاصی از آن‌ها استوار است.

1- De doctrina christiana (On Christian Doctrine)

2- intentionality